



آثار علم قاضی

در رویہ دادگاہ ہا

گروہ پژوهشے

انتشارات چراغ دانش



فهرست کلی

۵.....	معرفی آثار علم قاضی در روبه دادگاه ها.....
۱۵.....	آثار علم قاضی در آراء دیوان عالی کشور.....
۳۲۵.....	آثار علم قاضی در آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر.....
۳۲۹.....	آثار علم قاضی در نشستهای قضایی.....
۳۳۳.....	آثار علم قاضی در نظریات مشورتی.....
۳۴۱.....	آثار علم قاضی در قوانین و مقررات.....
۳۴۵.....	منابع و مآخذ.....

فهرست جزئی

۵.....	معرفی آثار علم قاضی در روبه دادگاه ها.....
۷.....	مبحث اول: مقدمه ای در باب ادله اثبات دعوا و علم قاضی.....
۱۰.....	مبحث دوم: جایگاه علم قاضی در بین ادله اثبات دعوا.....
۱۱.....	مبحث سوم: جایگاه علم قاضی در قوانین.....
۱۵.....	آثار علم قاضی در آراء دیوان عالی کشور.....
۱۷.....	مبحث اول: آرای اصراری دیوان عالی کشور.....
۱۷.....	۱. مستندات علم قاضی در پرونده لواط.....
۲۷.....	۲. علم قاضی، حجیت و راههای متعارف حصول آن.....
۶۸.....	مبحث دوم: آرای شعب دیوان عالی کشور.....
۶۸.....	۱. احصا موارد احراز علم قاضی در حکم.....
۸۳.....	۲. علم قاضی اثبات‌کننده زناى به عنف نیست.....
۸۷.....	۳. بینه شرعی.....
۹۰.....	۴. عدم اعتبار علم استنباطی قاضی.....
۹۷.....	۵. اعتبار علم قاضی حاصل شده از قرائن پرونده.....
۱۰۲.....	۶. ضرورت ذکر مستندات علم قاضی.....
۱۱۴.....	۷. اقرار.....
۱۱۹.....	۸. مبنای حصول علم قاضی باید قرائن متعارف باشد.....
۱۴۵.....	۹. عدم تأثیر تردید لاحق شاکی نسبت به حکم حاصل از علم قاضی.....

۱۴۶ اسباب حصول علم قاضی باید متعارف باشد.
۱۵۵ ذکر دلایل و امارات علم قاضی
۱۷۱ جواز صدور حکم مبنی بر علم قاضی در زنای به غیر عنف
۱۷۵ ضرورت ذکر مستندات و مبانی علم قاضی منتهی شده به رأی
۱۷۹ صدور حکم اعسار بر مبنای علم قاضی
۱۸۱ علم قاضی، مستندات و حجیت آن
۲۲۰ اثبات رابطه زوجیت و دوام آن
۲۵۸ عدم تطبیق مبانی علم قاضی با سایر ادله
۳۲۵ آثار علم قاضی در آراء دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر
۳۲۷ ۱. علم قاضی
۳۲۹ آثار علم قاضی در نشستهای قضایی
۳۳۱ ۱. سرقت از موزه یا نمایشگاه
۳۳۱ ۲. تکلیف دادگاه در خصوص رد مال مسروقه و غیر معین
۳۲۳ آثار علم قاضی در نظریات مشورتی
۳۳۵ ۱. نحوه وصول جرائم رانندگی
۳۳۵ ۲. دیه قتل خطایی
۳۳۶ ۳. تفاوت بین شهادت و شهادت شرعی
۳۳۶ ۴. تعارض اقرار با علم قاضی
۳۳۷ ۵. تعارض علم قاضی با سایر ادله
۳۳۸ ۶. تعارض علم قاضی با شهادت شهود
۳۴۱ آثار علم قاضی در قوانین و مقررات
۳۴۳ از قانون مجازات اسلامی
۳۴۵ منابع و مآخذ

فصل اول

معرفی آثار علم قاضی
در رویه دادگاه ها

مبحث اول: مقدمه‌ای در باب ادله اثبات دعوا و علم قاضی

علم قاضی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی و در عداد سایر دلایل اثباتی پیش‌بینی شده است از این روست که وقتی سخن از علم قاضی می‌شود منظور از آن به ادله اثبات دعوی نمی‌باشد چون چنین علمی مفروض و لازمه قضاوت است بلکه منظور علمی است که در اثر مطلع بودن پرونده از اوضاع و احوال و قرائن موجود در آن برای قاضی حاصل می‌گردد؛ لذا این علم باید طریقه متعارف به رای حصول داشته باشد؛ یعنی به صورتی به دست آمده باشد که نوع مردم از آن طریق تحصیل علم می‌نمایند.

پیش از سخن در باب علم قاضی به شرح مختصری از ادله اثبات دعوا می‌پردازیم و پس از آن جایگاه علم قاضی را در میان این ادله جستجو می‌کنیم. ادله جمع دلیل است و دلیل عبارت است از راهنما، حجت، برهان گواه، نشان و هر چیزی که انسان را به یک حقیقتی هدایت می‌سازد و نیز آنچه برای اثبات امری به کار می‌رود.^۱

هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر به عهده او است. (ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی) مدعی کسی است که امری خلاف اصل یا ظاهر را مطرح می‌کند. معمولاً دادخواست دهنده مدعی محسوب می‌شود؛ اما گاه طرف مقابل او نیز امری را ادعا می‌کند که محتاج اثبات است و دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می‌نمایند. موضوع دلیل، قاعدتاً امور موضوعی است و اثبات آن بر عهده خواهان دعواست.

ادله اثبات دعوا در معنای اعم دو قسم هستند:

۱. **دلیل:** که باعث ایجاد قطع و یقین می‌شود و عبارت است از: اقرار، سند، شهادت شهود و سوگند.

۱. بهرام بهرامی، *بایسته‌های ادله اثبات*، تهران، نگاه بینه، ۱۳۸۷، ص ۱۲.

۲. اماره: که برای قاضی ایجاد ظن می‌کند و عبارت‌اند از اماره قانونی (مانند اماره

فراش و تصرف و...) و اماره قضائی (نتیجه قرارهای تحقیق و معاینه محل).

برابر ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی، «دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است:

۱. اقرار ۲. اسناد کتبی ۳. شهادت ۴. امارات ۵. قسم.»

به موجب ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی در کلیه امور حقوقی، دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استناد طرفین دعوا، هرگونه تحقیق یا اقدامی که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام خواهد داد. در بحث ادله اثبات دعوا این سوال مطرح است که آیا قاضی می‌تواند به علم خود عمل کند یا خیر؟

علم به معنای دانستن و آگاهی انسان به ماهیت وقایع و پدیده‌های اطراف می‌باشد؛ حالتی که در نتیجه سنجش قرائن، شواهد، اوضاع و احوال حاکم بر یک پدیده خارجی بدست آمده است و با حصول آن هرگونه احتمال مخالف از بین می‌رود. منظور از علم قاضی رسیدن به مرحله یقین یا علم متعارف و عادی و قناعت وجدان نسبت به موضوع دعوا و یا وقوع جرم است که از طریق بررسی دلائل و امارات موجود در پرونده و یا مشاهدات و اطلاعات شخصی خارج از آن حاصل می‌شود. بنابراین علم قاضی به دو دسته علم شخصی و علم مبتنی بر ادله قانونی و محتویات پرونده تقسیم می‌شود. علم قاضی زمانی معتبر است که عینی ملموس و قابل کنترل در مراجع تجدید نظر باشد. اهمیت علم قاضی به درجه ای است که در مقام تعارض بین شهادت شهود و امارات قضایی، جانب اماره را باید ترجیح داد. زیرا قاضی از اماره قضایی مستقیماً اطمینان حاصل می‌کند، در حالی که استماع گواهی برای وی (به جای ایجاد علم) فقط ایجاد ظن می‌کند آن هم آگاهی به طریق غیر مستقیم.

روش‌های حصول علم قاضی به واقعه مجرمانه از حیث زمان و مکان ارتکاب جرم دو دسته است: قسم اول وقتی محقق است که علم قاضی در خارج از جلسات تحقیق و محاکمه کسب شود؛ به این معنی که قاضی قبل از طرح دعوا در محکمه، واقعه کیفری را

شخصاً ملاحظه کند. اما قسم دوم هنگامی محقق است که قاضی پس از ملاحظه طرح شکایت و دلایل، شواهد و قرائن اتهام و استماع مدافعات متهم و ادله و شواهد اتهام و با بررسی کامل محتویات پرونده و دلایل آنان و استماع اظهارات طرفین دعوا، عالم به صحت اسناد جرم به متهم یا عدم صحت آن شود. در واقع با این برداشت، استناد به علم شخصی برای دادرس دادگاه مجاز نمی باشد.

منظور از علم شخصی دادرس معلومات و اطلاعات شخصی وی است که خارج از محتویات پرونده به آن دست یافته است و هیچ نمود و جلوه‌ای در اوراق پرونده و ادله مطروحه در دادگاه ندارد. به بیان دیگر، منظور از علم شخصی معلوماتی است که در خارج از جلسه دادگاه برای دادرس به عنوان یک شخص از اشخاص جامعه حاصل شده است و نه به این اعتبار که او دادرس پرونده است.

مبحث دوم: جایگاه علم قاضی در بین ادله اثبات دعوا

علم قاضی در فقه و همچنین حقوق جزای ایران دارای ویژگی‌هایی است از جمله لزوم متعارف بودن طرق تحصیل علم، بدین معنی که علمی معتبر است که از راه‌های متعارف و معمول فراهم آمده باشد نه از راه‌های غیرعادی مانند مکاشفه و الهام یا علوم غریبه این موارد از ویژگی‌های ضرورت ذکر منشا پیدایش علم در رأی است و طبق ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی قاضی باید مستند علم خود را به طور صریح در حکم ذکر کند.

مبحث سوم: جایگاه علم قاضی در قوانین

هر قاضی مطابق اصول ۱۶۶ و ۱۶۷ قانون اساسی، باید بر وفق دلایل قانونی موجود رسیدگی و اقدام به صدور رأی نماید.

به هر صورت نمی‌توان قاضی را ماشین پذیرش ادله‌ی قانونی دانست و قاضی جاهل نسبت به واقع را که بی‌چون و چرا، به مقتضای ادله‌ی قانونی رسیدگی می‌کند و از علم خود چشم می‌پوشد مجری واقعی عدالت دانست.

علم قاضی به عنوان دلیل اثبات جرم پیش از انقلاب در مقررات قانونی پیش بینی نشده بود. تنها در ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی ذکر گردیده بود که اماراتی که بنظر قاضی واگذار شده عبارت است از اوضاع و احوالی در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را تکمیل کند.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ نیز در جرائمی چون سرقت و قتل منتهای با این قید که علم قاضی باید از طریق متعارف حاصل شده و مستند آن ذکر شود به عنوان دلیل معتبر شناخته شد. ولیکن همواره در امکان استناد به آن در کلیه جرائم اختلاف نظر وجود داشت. که نهایتاً قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علم قاضی را با رعایت قیودی به عنوان یک دلیل اثباتی در تمام جرائم پیش بینی کرد.

بر اساس ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی، «یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به طور صریح در حکم قید کند.» در تبصره این ماده نیز مقرر گردیده است که: «مواردی چون نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیق محلی، اظهارات مطلع، گزارش ظابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می‌توانند مستند علم قاضی قرار بگیرند.»

ماده ۲۱۲ این قانون نیز بیان می‌دارد که: «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد اگر علم، بین باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می‌کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و بر اساس آنها رأی صادر می‌شود.»

مواد دیگری از قانون مجازات نیز به علم قاضی اشاره دارد از جمله:

ماده ۱۶۱- در مواردی که دعوی کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارد اثبات می‌شود قاضی به استناد آن‌ها رأی صادر می‌کند مگر اینکه علم به خلاف آن داشته باشد.

ماده ۱۶۲- هرگاه ادله‌ای که موضوعیت دارد فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد می‌تواند به عنوان اماره قضائی مورد استناد قرار گیرد مشروط به اینکه همراه با قرائن و امارات دیگر موجب علم قاضی شود.

ماده ۱۶۳- اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل گردد مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی یا جانی یا خسارت مالی شده باشد کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور مستند به آنان است اعم از اداکننده سوگند، شاکی یا شاهد حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می‌شوند.

ماده ۱۷۶- در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت شرعی نباشد اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تأثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضائی با دادگاه است.

ماده ۱۸۰- شهادت اشخاص غیرعادی، مانند فراموش کار و ساهی به عنوان شهادت شرعی معتبر نیست مگر آنکه قاضی به عدم فراموشی، سهو و امثال آن در مورد شهادت علم داشته باشد.

ماده ۱۸۷- در شهادت شرعی نباید علم به خلاف مفاد شهادت وجود داشته باشد. هرگاه قرائن و امارات برخلاف مفاد شهادت شرعی باشد دادگاه، تحقیق و بررسی لازم را انجام می‌دهد و در صورتی که به خلاف واقع بودن شهادت، علم حاصل کند شهادت معتبر نیست.

ماده ۱۹۳- جرح شاهد شرعی باید پیش از ادای شهادت به عمل آید مگر آنکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود. در این صورت جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می‌آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

ماده ۱۹۴- در صورت رد شاهد شرعی از سوی قاضی یا جرح وی، مدعی صلاحیت شاهد می‌تواند برای اثبات آن دلیل اقامه کند.

ماده ۱۹۵- در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم نیست و گواهی مطلق به تعدیل یا جرح، کفایت می‌کند مشروط بر آنکه شاهد دارای شرایط شرعی باشد.

تبصره- در اثبات یا نفی عدالت، علم شاهد به عدالت یا فقدان آن لازم است و حسن ظاهر به تنهایی برای احراز عدالت کافی نیست.

در نتیجه قانون مجازات اسلامی جدید علم قاضی را که بر اساس محتویات پرونده و ناشی از مجموعه قرائن و امارات بپن به عنوان دلیل در اثبات جرم شناخته و علم شخصی خارج از پرونده را ملاک صدور حکم ندانسته است.